

## نقدی کوتاه بر مصاحبه ای طولانی

### دفاع از شورای ملی

امیرفیض- حقوقدان

درنهم آبان ماه سال جاری یعنی سالروزى که اعلیحضرت سوگند وفادارى به قانون اساسى مشروطیت و پاسداری از سلطنت را یاد فرمودند تلویزیون اندیشه مصاحبه مفصلی با ایشان ترتیب داد، از خصوصیات انحصاری این مصاحبه یکی این است که سوالی در بین نبود و اگر هم بود برای خالی نبودن عریضه و فراهم شدن محفل بیان نظرات اعلیحضرت بود.

بمناسبت رویه مطلوب، که از تکرار موضوعات گرچه در کارمبارزه لازم است خودداری میشود، بیانات اعلیحضرت تکرار موضوعاتی بود که چون فارغ از مبانی اصولی و قانون و سنت میباشد، تشتت و تضاد فراوان، جانی برای نقد آن ها فراهم نمیسازد.

کُنّه مطالباتشان درباره شورای ملی ایران و دفاع از آن بود و از آنجا که هنوز شورای مزبور مقام سخنگویی رابه ایشان تفویض نکرده و اساساً خود شورا فاقد شخصیت حقوقی و اعتباری است، لذا بیاناتشان نظرات شخصی خودشان است نه حتی شورای بی دروپیگرمزبور.

از آنجا که شخصیت سیاسی اعلیحضرت به اعتبار سوگند وفاداری به قانون اساسی مشروطیت و تصدی سلطنت قوام یافته لذا بیانات و نظرات ایشان بطور کلی در تعارض و یا تناسخ با مبانی شکل دهنده شخصیت سیاسی و اعتباری ایشان یعنی سوگند سلطنت، **کاملاً بی اعتباری ارزش است زیرا نظر نمیتواند ناسخ و یا معارض باتص و قانون و سنت باشد.**

**بحث درباره موضوعات وقتی بحث اصولی شناخته میشود که قائمه بحث برحق و اصول و مبانی شناخته شده و یا حقوق ذاتی و مدون و سنت باشد در غیر اینصورت بحث تبدیل میشود به بحث نظری و آنهم کار عقلا نیست.**

مطالب عنوان شده در مصاحبه رادیو صدای آمریکا بخش «افق» باردیگر در این مصاحبه تکرار شد تنها تفاوتی که چشمگیر بود موضوع موازی سازی است که در مصاحبه افق اعلیحضرت عدم رضایت خودشان را از موازی سازی بشدت ابراز نمودند تاجائی که اصطلاح معروفشان را «که با آنها کاری ندارم» رابه اضافه این جمله نوظهور که «در ادبیات ایشان نیست که موازی سازی راتانید بفرمایند» یاد آور شدند ولی از آنجا که خود ایشان بفاصله دویاسه روزی به منشور ۹۱ پیوستند و امضا کردند و این موازی سازی از دید منتقدین بدور نماند در این مصاحبه اندیشه، اصلاحیه ای بر آن وارد ساختند و آن این است که؛ **موازی سازی در اول کار اشکال ندارد ولی ادامه آنرا اعلیحضرت نمی پسندند**، یعنی ادبیاتشان تغییر کرد و از این پس باموازی سازان هم کار خواهند داشت.

این چنین تشتت و عقب گرد در موردی که اعتقاد به اصول در بین نباشد امری عادی است، نظر، همانطور که از عنوانش پیداست بایک دیدن و حتی در حد چشم بهم زدن ایجاد و یا تغییر میکند، و علت اینکه این گونه تضادها و عقب گردها کمی ثقیل و غیر قابل انتظار است این است که فرض بر این است که انسان ها صاحب عقیده متکی به اصول هستند و ذاتاً انسان ها با عقیده ای که دارند شناخته میشوند نه با نظرشان.

موضوعی که در مصاحبه مزبور دوسه باری از سوی اعلیحضرت مطرح و مصاحبه کننده هم آنرا بکاربرد «پادشاهی پارلمانی» بود که هر قدر جستجوی حقوقی کردم با چنین نام و مفهومی برخورد نکردم.

حیرت دارم از تلاش برای این عناوین سازی ها که دقیقاً حکایت از وحشت نام شاه و سلطنت را دارد خوب، همانطور که ۲۷ سال است از ذکر عناوین شاه و سلطنت و سلطنت طلبان گریختید که گریخته اید.

همچنان بگریزید دیگر چرا عناوین سازی میکنید یادتان باشد که جمهوری اسلامی هم بهنگام رفراندوم سال ۵۸ بکل از ذکر نام شاه ورژیم شاهنشاهی و غیره خودداری کرد و از کلمه سابق «رژیم سابق» استفاده کرد.<sup>۱</sup>

چرا حد دشمنی با نظام سلطنت مشروطه رابه آنجا میکشید که عناوین قانونی و سنتی سلطنت و پادشاهی که مشروطه است به عنوانی خود درآوری و بی معنا جابجا میکنید.

## کمیته لابی

اعلیحضرت فصل مفصلی از کمیته هائی که برای شورا پیشنهاد فرموده اند صحبت کردند از جمله **کمیته برای لابی کردن با خارجیان** و غیره مصاحبه کننده این سوال رامطرح ساخت که با قدرت مالی و نفوذی و فردی لابی جمهوری اسلامی، کمیته لابی چه خواهد کرد، اعلیحضرت پاسخ فرمودند که «یقین بدانید که اگر شورای ملی در ایران از سوی مردم تحویل گرفته شود جمهوری اسلامی باتمام امکانات مالی اش کاری نخواهد توانست بکند» (شیره راخورد و گفت شیرین است)

پرسش جنبی دیگری هم بود که هزینه این کمیته ها چگونه تامین میشود؛ که البته اعلیحضرت پاسخشان روشن بود که از جانب ایرانیان پرداخت خواهد شد. چنانکه هزینه فعالیت های شورای ملی سوریه رامردم سوریه میدهند! چنانکه هزینه فعالیت جنبش سبز را ایرانیان و درصدهمه اعلیحضرت میدهند!

چنانکه ماهیانه ۱۵۰ هزار دلار هزینه حسابسازی جبهه نجات را اعضای جبهه نجات داده اند! چنانکه هزینه های کنفرانسهای متعدد و متوالی درسوند و آلمان و آمستردام و پاریس و واشنگتن را مدعوین داده اند!

چنانکه هزینه های بختیار و دستگاه اورا ایرانیان دادند! و بعلت حتی خود بختیار اقرار کرد که از عراق پولهای هنگفتی گرفته است.

البته اعلیحضرت اشاره مناسبی هم داشتند و آن این که **حسابرسان قسم خورده بیان درآمد و هزینه کمیته شورا را منتشر خواهند کرد و مردم خواهند دید پولی راکه میدهند تفریط نمیشود**

کاملا درست است همانطور که بنیاد میهن و بنیاد کودک و سایر موسسات خیرخواهی که در خارج از کشور تشکیل شده و کمک های سنگینی ازدولتها دریافت میکنند هر ساله بیان مالی و عملکرد خودشان رامنتشر کرده اند.

## تکلیف مهم و میهنی

بعنوان یک ایرانی قدری آگاه به مسائل حقوقی و بیشتر نگران از سرنوشت ایران و هویت شاهنشاهی آن احساس تکلیف میکنم که این برداشت حقوقی مطمئن را به ایرانیان تقدیم دارم.

قبل از انتشار شورای باصطلاح ملی یعنی همین شورائی که اعلیحضرت خواستار کمک ایرانیان شده اند

کمک به مبارزه بهر تقدیر یک خدمت میهنی و سیاسی برای نجات ایران به حساب میآید، گرچه آن کمک ها تفریط و حیف

و میل میشد ولی قصد کمک کننده، قصد پاک و میهنی بود، ولی با انتشار باصطلاح منشور ۱۶ ماده ای و صراحت ماده ۱۱

آن، هر نوع کمک مادی و یا معنوی و یا حمایت و یا تبلیغ برای شورای مزبور مشارکت در تجزیه کشور یعنی خیانت مسلم

به وحدت و تمامیت ارضی ایران خواهد بود.

<sup>۱</sup> - آنطور که سابقه واژه ترکیبی نادرست «پادشاهی پارلمانی» است سالها پیش که دکتر نصر احمدی، برنامه های رادیو و تلویزیونی داشت با عنوان این واژه ترکیبی نادرست، مدعی بود «مخترع» پادشاهی پارلمانی اوست. ح-ک

کسانی که مدعی اند که از ماده ۱۱ منشور شورای ملی، برداشت زمینه سازی و ایجاد حقانیت برای تجزیه کشور درست نیست، دروغ میگویند و قصد اغفال رادارند به ضرس قاطع وبدون کوچکترین تردیدی آن منشورسند و جای پای حقانیت تجزیه کشور میباشد.

کسانی که تردید رادرماده ۱۱ وارد میکنند فراموش نکنند که شک درکارخیر مطلوب نیست (درکارخیرحاجت هیچ استخاره نیست) وشک درکارشتر، ترک کارراواجب میسازد.

اگر آنکه مدعی است که ماده ۱۱ منشور و مواد پیامد آن جای بحث دارد وباصطلاح شک را وارد برآن میدانند احساس کنند که درانجام کاروتصمیمی حتی یک دهم احتمال تکه تکه شدن فرزندش وجود دارد به آن کارتن نمیدهد و یا به خاطر اهمیت موضوع واحتمال همان ده درصد آن کار را ترک واز آن دوری میکند. حداقل برای وطن وتمامیت ارضی آن ارزشی به اندازه یک فرزند خودتان قائل باشید.

اینجانب همین قسمت <تکلیف مهم میهنی> را جدا ازاین تحریر امضا میکنم که اظهارنظرحقوقی تقدیمی باقید مسئولیت باشد (امیرفیض)<sup>۲</sup>

حاشیه- میبوسم دست آن خانم مسنی را که دریک میهمانی درمقابل این سوال که شما که باعلیاحضرت نسبت خویشی دارید چرا شورا را امضا نکردید گفته **<من کاری راکه درستی آن تردید است قبول ندارم>**

## برداشت کلی

برداشت کلی از بیانات اعلیحضرت درمصاحبه اندیشه چنین است که یا اعلیحضرت اصلا منشور ۹۱ را نخوانده وامضا کرده اند ویا امضای ایشان به مناسبت محظوری بوده که رعایت آن محظور را مقدم بر اعتباروشخصیت خودشان میدانند.<sup>۳</sup>

همانطور که درمنشور ۹۱ آمده وبه امضای اعلیحضرت هم رسیده <دغدغه فعالیت منشور ۹۱ حکومت ویا جایجانی قدرت نیست بلکه پایه گذاری اخلاق وخشونت زدانی است وحتی طرح آشتی ملی هم کوشش سیاسی شناخته نشده بلکه تمرین مدنی است برای روند اخلاق عمومی.....>

درحالیکه هدف وبرنامه ابرازی اعلیحضرت ودرکلامی تطبیقی دغدغه ایشان همانطور که خودشان درمصاحبه مزبور واژه **دغدغه** رابکاربردند رسیدن به انتخابات آزاد است که بهرحال ازتوابع کارسیاسی وجابجائی قدرت است، انسان نمیتواند هم ته دره باشد وهم قله کوه هم دغدغه اش کارسیاسی وانتخابات باشد وهم نباشد هم طرح آشتی ملی را بریزد برای اینکه پاسداران حکومت راجلب کند وهم هدفش تمرین برای روند اخلاقی باشد هم ازپاسداران وبسیجی ها بخواهد که تفنگهایشان را بروی مردان حکومت بکشند وهم اقدام نظامی را حتی درمرحله سرنگونی حکومت هم ممنوع سازد (منشور ۹۱)

<sup>۲</sup> - منم با کمال افتخار و با درایت این بخش را در کنار امضای استاد امیرفیض امضا که و اعلام میدارم با الهام از فرمایش انوشه روان شاهنشاه آریامهر، «اگر دستم را قطع کنند سند جدایی آذربایجان را امضا نخواهم کرد» هرگز سندی که یک وجب از خاک میهنمان ایران را جدا کند امضا نکرده و تایید نخواهم کرد و تا جان در بدن دارم با استدلال و منطق با آن مبارزه خواهم کرد. ح-ک

<sup>۳</sup> - اعلیحضرت رضا شاه دوم شوربخانه به تنهایی با نام «رضا پهلوی - آمریکا» منشور ۹۱ رامین جهانگلو را هم امضا کرده اند. ح-ک